

اگر جهان را خدایی بود
چوب تو آستین
آخوندهای ما می‌کرد

بیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۹۴ کانون خردمداری ایرانیان
سال هفدهم - اردیبهشت ۲۵۷۶ برابر ۱۳۹۶ تحمیلی عربی

در غیاب یک خدای
دانا، عده‌ای نادان در
کشورما خدایی می‌کنند

آسید علی خراب‌گردی

شما قرآن خوان‌های سر قبر آقا، روضه خوان‌های پنج‌ریالی خراب‌گردید، بدجوری هم خراب‌گردید. زندگی یک ملت صبور و خوب را به سختی و نابودی انداختید، بادروغ آمدید و بادروغ ماندید، و بیرحمانه کشتید و ثروت مردم را به تاراج بردید. شما آبرویی برای ایران و ایرانی باقی نگذاشتید. شما الله پرستان بی‌وجدان بلایی سر مردم آوردید که امروز همه آرزوی مرگتان را دارند، مرگ جملگی‌تان را، مرگی سخت و دردناک. جبر تاریخ و آگاه شدن جوانان ایران به زودی شما فرزندان راهزنان مکه و مدینه و صیغه زادگان کربلا و نجف و حرامیان فاسد کُنج مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌های کثافت مذهبی را در کام انتقام و مرگی هراسناک خواهد بلعید و نام‌ننگین و باور ضد انسانی‌تان برای همیشه بدنام تاریخ باقی خواهد ماند. بازنده‌ی اصلی این خیمه شب‌بازی وحشتناک، حرفه‌ی کلاشی آخوندیسم است و خود اسلام، و برنده‌ی سربلند آن جوانان و مردم ایران خواهند بود.

دکتر محمد علی مهر آسا

پیام نوروزی محمد نوری زاد

من از جانب رهبر جمهوری اسلامی ایران ابراز شرمندگی می‌کنم، از روسپیان سرزمینم، از بانوان و مردان و دختران و پسران تن فروشی که به خاطر نداری ناگزیر به تن فروشی شده‌اند. از سوی رهبر ابراز شرمندگی می‌کنم، از آنهایی که مانده در رویه‌ی ۳

پاسخ به کتاب «هارون یحیی» به نام معجزات علمی قرآن
ترجمه (پ-ع)

قرآن کتابی است که توسط فردی مخبط و مبتلا به صرع و مرض شیزوفرنی نوشته شده است از این رو باری جز مهملات

و مطالب جفنگ در خود ندارد. این موضوع را تمام مسلمانان آگاه به گویش عربی به خوبی درک کرده و به وجود اراجیف پی برده‌اند. اما چون مبتلا به ایمان قشری مسلمانی و گرفتار دین اسلامند، برای رفع و رجوع این نقائص و مهم جلوه دادن این کتاب سراسر خزعبلات، به کارها و اقداماتی متوسل شده‌اند و می‌شوند که هم قهقهه برانگیز است و هم گریه آور. گریه آور از این روی که این خدعه‌ها، دروغها و مهملات چنان در این کتاب بدیهی و واضحند که هرکس به گویش تازی آشنا باشد به خوبی پی به این کذب و اراجیف می‌برد. پس باید به حال اسلام گریه کرد! ببینید آقای هارون یحیی راجع به این آیه چه دُزّی فشانده است.

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى الْأَرْضَ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ»

این آیه را گرچه در شماره پیش نوشته‌ام، اما به چیزهای جدیدی در آن پی بُردم که لازم است خوانندگان را از آن آگاه سازم. نخست غلط انشائی کلام خدا را بررسییم، سپس به معنا توجه کنیم.

به دقت بنگرید: آیه با صیغه غایب شروع می‌شود و می‌گوید خلق کرد آسمانها را... و در زمین کوه‌هایی ساخت برای نگهداری زمین و حیواناتی از هرنوع که همه با صیغه مفرد غایب است. ولی آخر آیه می‌گوید: و انزلنا من السماء ماءً فانبتنا فيها من كل زوج كريم. یعنی ما از آسمان آب به زمین ریختیم و انواع میوه‌ها را جفت رویاندیم. یعنی کلام به صیغه جمع متکلم وحده!! تبدیل می‌شود. بی‌شک این نتیجه‌ی خبط دماغ نویسنده است؛ و بی‌آبرویی برای کسانی که از فصاحت قرآن فریادها می‌کشند! اکنون معنی:

«خلق کرد آسمان را بدون ستونهایی که شما ببینید و در زمین کوه‌ها را قرار داد تا زمین نلرزد و هر نوع جنبنده‌ای در آن پراکند و از آسمان باران را نازل کردیم و در زمین هرنوع گیاه با ارزش از جفت رویاندیم»

دقت فرمودید به ابتدا و انتهای آیه؟! آخر چه هنگام این کوه‌ها باعث شده‌اند زمین نلرزد؟ از زمان گفتن این یاهه تاکنون هزاران بار زمین لرزیده و میلیونها آدم و حیوان را گشته است! این دروغ نیز از همان ردیف دروغ‌های قرآن است. به درستی ۸۰٪ نوشته‌های این کتاب قرآن دروغ محض است. غیر از درخت خرما که نر و ماده دارد بقیه نباتات جفت نیستند بلکه آلت تناسلی شان نر و ماده درون یک گل است و همانجا تخم درست می‌شود. این هم دروغی دیگر که نشان نادانی محمد است!

آقاهاارون یحیی و جناب (پ - ع) شما نخست برای این چرنديات ادبی قرآن مستمسکی پیدا کنید و رفوکاری فرمایید،

سپس وارد نظریات دانشمندان فیزیک و فضاشناس شوید! خدایی که انشای عربی بلد نیست، چگونه فرضیه کوانتم را تشریح کرده است. شرمنده شوید و خجالت بکشید. شما بیشتر از آنکه متولی و وکیل مدافع الله باشید دشمن بالفعل او شده‌اید! و این آیه را نیز آورده‌اید:

«وَ هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجِينَ آثْنَيْنِ يُغْشَى آلِيلَ النَّهَارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

«اوست کسی که زمین را گستراند (مخالف کرویت زمین) و در آن کوه‌ها برافراشت و نهرها جاری کرد و از تمام میوه‌ها جفت جفت درست کرد و شب تار را به روز روشن پوشاند همانا در این کارها نشانه‌هایی برای کسانی که فکر می‌کنند وجود دارد!!»

مهمل از این بیشتر؟ کوه‌ها نتیجه بیرون ریختن مواد مذاب درون زمین است که هنوز نیز برخی کوه‌ها آتش فشانی می‌کنند و مواد بیرون می‌ریزند. و نهرها نیز خود در اثر باریدن برف و باران درست شده‌اند و آب‌ها راه‌های ساده را در پیش گرفته و اغلب خاک‌ها را نیز با خود به دریا ریخته‌اند. تمام اینها امروز با علم کشف شده و کار الله نیست. محمد تصور کرده است تمام نباتات مانند درخت خرما جفت نر و ماده دارند و اینجا چنین غلطی را فرموده است. از همه مسخره‌تر و جفنگ‌تر این جمله است که: شب تار را با روز روشن پوشاند. خوب وقتی دانش وجود ندارد و خدای توهمی درست می‌شود، چنین جفنگ‌هایی نیز گفته خواهد شد. حال آنکه همگان علت شب و روز را می‌دانند.

کتاب هارون یحیی راجع به این دو آیه که آورده غیر از معنای جفنگ چیزی نیفزوده است و از دانش اتمی و کوانتوم در آنها خبری نیست. اما آیه بعدی را خیلی لغت و لعاب داده و بسیار بیشتر از محمد و الله دروغ سرهم کرده است.

«وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَ هُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ»

معنای آیه ساده است و نشان از نادانی و نبود دانش و معرفت زمان محمد و بتبع خود محمد است! می‌گوید:

«آسمان را سقف محفوظی ساختیم ولی مخالفان از این نشانه‌ها روی برمی‌گردانند»

اما هارون یحیی این محفوظ را که منظور سقوط سقف بر زمین است که مطابق دانش زمان و مکان محمد بی ستون ایستاده است، حمل بر حفاظت جو زمین که هوا است و مقداری از گرمای خورشید را می‌گیرد فرموده و می‌گوید اگر این آسمان (منظورش فضای آبی هواست) نبود آدمیان می‌سوختند. و شگفتا که هیچ اشارتی به لایه «اُزُن» که جلوی این اشعه‌های مضر را می‌گیرد نمی‌کند. برعکس یک مهمل بافته است که این جو زمین

جلو سقوط و افتادن شهاب سنگهای آسمانی را می‌گیرد و مانع اصابت آنها به زمین می‌شود که ادعایی مسخره و دروغ است. زیرا از همان زمان تکامل بشر تا کنون، هزاران شهاب سنگ از آسمان به زمین اصابت کرده و در اغلب نقاط کره زمین جایشان هنوز آشکار است.

حضرات مؤمنی که ایمان قشری حتا دیدن نتایج دانش‌ها را بر روی شما بسته و فضای دیدتان را تاریک کرده است! بدانید و آگاه باشید که قرآن جز مهملات و اراجیف چیزی ندارد و من در کتابم به نام «پروسی و تأملی در متن کتاب قرآن» این‌ها را با دلیل و منطق نشان داده‌ام. این کتاب را بخوانید تا اندکی روشنایی در ذهنتان بنشیند. باور کنید اندکی شعور از میلیونها دلار با ارزش تر است!

برای تهیه کتاب «پروسی و تأملی در متن کتاب قرآن»
باتلفن: ۷۲۶۱-۴۵۴ (۷۱۴) تماس بگیرید.

پیام نوروزی محمد نوری زاد مانده از رویه‌ی نخست

در این ۳۸ سال چهره عبوس و تلخ و جنایتکاری از جمهوری اسلامی دیدند. از طرف همه آیت‌اله‌ها از این ملت پوششخواهی می‌کنم. از طرف سرداران سیری ناپذیر سپاه ابراز شرمندگی می‌کنم از همه آن‌هایی که در تنگناهای معیشتی قرار گرفته‌اند. از طرف رهبر، سپاه، همه‌ی روحانیون و از طرف همه‌ی کت شلواری‌های ولایی ابراز شرم و شرمندگی می‌کنم از مردم سوریه، از مردم یمن که به خاطر شیعه گستره ابلهانه آقایان زندگی‌شان رفته شده، سرزمین‌شان درهم کوفته شده، عزیزانشان نابود شده‌اند من از سوی همه آن‌هایی که پیشانی‌شان پینه بسته، از طرف همه‌ی دزدان و آدم‌گشان، از جوانان سر درگم و تحقیر و نابود شده‌ی سرزمینم پوششخواهی می‌کنم.

از ایرانیان پاک نهاد و فرهیختگان و دانشمندان، از طرف آیت‌اله‌های هردمبیل پوششخواهی می‌کنم که شأن علمی آنها نادیده گرفته شد و آنها تحقیر شدند.

از طرف رهبر، از طرف سپاه و از طرف اطلاعات ابراز شرمندگی می‌کنم که به مردمی دست پیدا کردیم که همه می‌ترسند، بلکه این حضرات در ترساندن مردم موفق بوده‌اند.

از طرف رهبر و همه آیت‌اله‌ها پوششخواهی می‌کنم از بانوان سرزمینم که هیچگاه طعم آزادی را نچشیدند. از هنرمندان، نویسندگان، از سوی رهبر و اطلاعات ابراز شرمندگی می‌کنم که هرچا آمدند سخن از آزادی بگویند سرنوشتشان مانند سعیدی سیرجانی زندان بود و اعدام. از اقلیت‌های سرزمینم، از ستیان،

از مسیحیان از یهودیان، زرتشتیان، بهاییان، درویشان، و خدانا باوران سرزمینم که انسانهای شایسته‌ای هستند و هیچگاه به آنها فرصت برآمدن و ایرانی بودن داده نشد از سوی رهبر جمهوری اسلامی پوششخواهی می‌کنم. با همه‌ی این ابراز شرمندگی‌ها اعلام می‌کنم که سخن من با یاس همراه نیست بلکه این شرمندگی‌ها را من به‌عنوان داغ ننگ بر پیشانی عاملان این شرمندگی‌ها می‌نشانم. (و مژده می‌دهم) که حتماً ما در آینده‌ای نزدیک حق خودمان را از گلوی این نابکاران بیرون خواهیم کشید. آینده از آن ما خواهد بود اگرچه این‌ها نخواهند. سال خوبی را برایتان آرزو می‌کنم. به‌بخش کوچکی از پیام جالب دیگر نوریزاد در مورد انتخابات توجه کنید.

امروز چهارده فروردین سال ۱۳۹۶ است می‌خواهم در مورد انتخابات صحبت کنم. دیدم که رهبر در سخنان نوروزی گفتند من در برابر آنهایی که در رای مردم شکست ایجاد کنند می‌ایستم. من محمد نوریزاد می‌خواهم همین اول بگویم که آقا ۲ ما یکیش، من می‌خواهم بگویم که شرکت در انتخابات یک خیانت بزرگ به شعور مردم است، دلیلش را می‌گویم، بر فرض ما شرکت کردیم و آقای روحانی هم انتخاب شد. آقای روحانی فرش زیر پای رهبر است یک رئیس جمهور بی‌اختیار، وزرایش را رهبر پیشاپیش انتخاب می‌کند مثلاً یک آدم قاتل شناخته شده‌ای بنام شیخ مصطفی پور محمدی می‌شود وزیر دادگستری. این‌ها مردم را با ترساندن از احمدی نژاد به سوی روحانی می‌کشاند. این سیستم به شدت قهقراپی و قفل است و از درون این سیستم منحط امکان ندارد نیک بختی و آزادی برای مردم ایران بدست آید. این است که من می‌گویم شرکت در انتخابات توهین به شعور مردم است. و ما رای نمی‌دهیم بگذارید همان دزدها و آدم‌کش‌ها بیایند سرکار، ما الان کشورمان با یک شیب تند به در یوزگی‌های بین‌المللی افتاده است. رای ندادن یعنی ما شعور داریم خرد داریم. رای دادن یعنی خیانت به ایران،.....

سطری از نامه‌ی دیگر نوری زاد - این خط این نشان، اگر ایران با خفت، با خفت و با خفت از سوریه بیرون نیامد! به زودی مشاوران، سپاهیان و مدافعان حرم با خفت و خواری سوریه را به مقصد ایران ترک خواهند کرد.... آنچه از این مداخله نظامی بجای می‌ماند، پول‌های دود شده، گشته‌ها و زخمی‌های بجامانده، نفرت مردمان سوریه از ایران و محکومیت‌های پی در پی در مجامع حقوق بشری به عنوان جنایتکار جنگی و شروع پرداخت غرامت به مردم سوریه و عراق و یمن است، این غرامت‌ها را از جیب و ارث پدری که نمی‌پردازند.... هجده فروردین ۹۶ در گفتگوی ۲۴ فروردین نوری زاد با رادیو فردا - یکی از دردهای عمیق سرزمین من بی‌ادبی است، ما به شکل تاریخی مردمان

دکتر مرتضامیرآفتابی

اندیشه‌های متفکران جهان (۳)

باید از اندیشمندان پرسیم تا آگاه شویم، ما به سبب نخواندن کتاب و نشریه‌های مفید نتوانستیم از این زنجیرهایی که به مغز و ذهن و درایت خود بسته بودیم خود را رها سازیم تا از عقب ماندگی و ذلت نجات پیدا کنیم.

آیا باید به سخن بزرگان گوش می‌کردیم یا به آخوندهای احمق هوش می‌سپردیم؟ دانشمندان و نویسندگان زندگی خود را وقف آگاهی و رفاه مردم و دموکراسی و آزادی کرده‌اند و عملیه‌ی دین و مذهب به جیب خود و دزدیهای خود می‌اندیشند به فریب دادن مردم می‌پردازند.

فیلسوف نامدار مارکس می‌گفت، مذهب افیون توده‌هاست و مذهب برای جامعه‌های بی‌ذهن و بی‌اندیشه است. فروید دانشمند بزرگ می‌گوید، مذهب یک نوع بیماری و مرض است.

ابن راوندی دانشمند عقل‌گرا که در قرن سوم می‌زیسته می‌گوید، خدا، همچون دشمنِ خشمگین است که دارویی جز کشتن او را نیست. ابن راوندی ۱۱۴ رساله و کتاب علمی نوشت، او هم انسان را خدا می‌دانست، کتاب «بصیرت» او در ردّ اسلام است و کتاب «الزمر» او در انکار پیامبری محمد.

ولتر شاعر و دانشمند نامدار فرانسوی که در قرن ۱۷ زندگی می‌کرد، می‌گفت، جهل و ترس خدایان را بوجود آورده است اخلاق دین و مذهب مردود است و باید به اخلاق اجتماعی روی بیاوریم، هم او که می‌گفت علم کیشان براساس جهل و نادانی ماست.

ایرج میرزا در مورد اسلام و مسلمانان می‌سراید:

از آن گروه چه خواهی، که از هزار نفر

اقلن دویست نفر روضه خوانِ خر دارد

دویست دیگر جن‌گیر و مرشد و رمال

دویست واعظ از روضه خوان بتر دارد

و خائف شیرازی سروده است:

آخوند که از مکه و منا برگشته

ماری است که رفته اژدها برگشته!

بایزید بسطامی می‌گفت:

خدا یا بهشت تو تنها با زیچه دست کودکان است. پایان

بی‌ادبی هستیم، من یکبار فحش‌هایی که در بین مردم جاری است شماره کردم چیزی قریب به ۳۰۰ فحش داریم، فحش‌های آمریکایی‌ها زیاد باشد به ده تا نمی‌رسد. فحش‌های ما یک مجموعه‌اش به مادر، مجموعه دیگر به خواهر و مجموعه‌ای به زن داده می‌شود... اوج این فحاشی‌ها دوره قاجاریه است، اشعار عبید رسماً فحش است یا ایرج میرزا - ما پا به پای بی‌ادبی، بی‌خردی در جامعه‌مان داریم، هم‌اکنون در کشور ما در حال ساختن در و پیکر و گلدسته طلا برای حرمین شریفین هستند. این کار به شدت بی‌خردی است، برای این که شما پولتان را می‌دهید به یک کشور دیگری که باعث شود آن کشور توریست بیشتری داشته باشد و خودت هم می‌شوی توریست برای آن کشور!! دوم این که این در و پیکری که بنا به خرافات شما هنوز نصب و متبرک نشده چرا می‌ریزد به اطراف آن و دست خود را به آن می‌کشید و بچه‌های مریض را به آن می‌مالید؟ خیمه برقراری تمام مراجع تقلید بر بی‌خردی مردم ما است. به ویژه در حوزه‌های مذهبی بی‌خردی و خرافه کولاک می‌کند. و بیت رهبری در این کارناوال بی‌خردی سهیم هستند. در کشور ما عقل تعطیل است.

جوانان، ای جوانان ارزشمند ایران (۲)

چرا کسی فکر می‌کند آمریکا و برخی از کشورهای غربی دیگر آخوندهای حاکم بر ایران را نمی‌خواهند و در پی سرنگونی آن‌ها هستند؟؟؟

چرا باید آمریکا و غرب از چنین گاو هفت من شیر دهی مانند جمهوری اسلامی دست بردارد و اجازه دهد بجایش یک حکومت ملی و مردمی بنشینند؟ سود غرب از حکومت‌های فاسد و دزد بیشتر است یا حکومت‌های صالح و ملی؟ جوانان گرامی ایران، آگاه باشید آن غربی که سال‌ها پیش در ایران و منطقه خاورمیانه ظاهراً به دنبال اجرای قوانین حقوق بشری و برپایی دموکراسی بود مُرد و از میان رفت، مسالیه‌ی حقوق بشر از لیست خواسته‌های دول غربی خط خورده است، اگر هم کشوری آن را به‌زبان آورد برای دلخوشی است نه برای اجرای آن.

تنها راه حل باقی مانده برای رهایی از وضع موجود ایران و رهایی از دست آخوندهای فریبکار که همواره ده‌ها ترفند برای گول زدن مردم در آستین دارند، بپا خاستن خود شماس است. چشم‌داشت به خارجی‌ها و یا اپوزسیون بیرون از کشور اشتباهی است بزرگ و رُخ ندادنی. به مرگ تدریخی که حکومت برایتان ساخته، نه بگویید و روزگار سیاه خودتان را خودتان دگرگون سازید. راه دیگری نیست اگر هم باشد به سود شما نخواهد بود.

دکتر احمد ایرانی

دین‌های دزد

پس از کشف «لوحه قوانین حمورابی» در سال ۱۹۰۲ روشن شد که ده فرمان موسای تقلیدی از قوانین حمورابی ششمین امپراتور بابل بزرگ بوده است این لوحه در سال ۱۹۰۱ در ایران پیدا شد! افسانه توفان نوح که در هر سه کتاب تورات، انجیل و قرآن آمده است از یکی از افسانه‌های سومریان باستان افسانه گیل گمش تقلید شده است!

داستان روز رستاخیز، بازگشت روح و پل صراط از آیین زردشت ابتدا به دین یهود و سپس به مسیحیت و اسلام وارد شد! اسطوره پیدا شدن موسای در دوران نوزادی درون سبوی در مصر از افسانه‌های هندی است که ۲۵ سده پیش در هند گفته می‌شده و یهودیت این داستان را گرفته و به موسای چسبانده است! افسانه کنار رفتن آب دریا برای عبور موسای و همراهان از یکی از اسطوره‌های بابلیان تقلید شده است!

بریدن دست دزد در قوانین یهودیت تقلیدی است از قوانین حمورابی! داستان تولد عیسا از دختری باکره تقلیدی از افسانه تولد میترا از دختری باکره به نام آناهیتاست! داستان به آسمان رفتن عیسا از افسانه به آسمان رفتن «الیجاه» یکی از پیامبران دین یهود تقلید شده است. مسیحیت روز یکشنبه (روز آفتاب) را از آیین میترائیسم (مهرپرستی) ایرانیان برداشت کرده است!

اتهام‌های عیسا همگی اتهام‌های سیاسی بوده است، زیرا وی هوادار سرنگونی حاکمیت روحانیان فاسد رومی بوده و روش اعدام آن زمان در میان رومیان مصلوب ساختن بوده است. اگر جرم عیسا یک جرم دینی بود به روش یهودیان باید سنگسار می‌شد! اسلام تنها دینی است که به جن باور دارد، در حالی که سرچشمه اندیشه وجود جن از افسانه‌های بابلیان و فینیقیان به اسلام وارد شده است!

در قرآن از قول عیسا نوشته که پس از او پیام‌آوری می‌آید که نامش «احمد» است، در حالی که عیسا چنین حرفی را نزنده است و بسیاری از نوشته‌های قرآن مانند همین جمله جعلی است یا از ادیان پیشین است!

در قرآن نوشته شده عیسای نوزاد درون گهواره حرف زده است، این موضوع در مسیحیت وجود ندارد و یکی دیگر از جعل‌های قرآن است!

اسلام مانند یهودیت و مسیحیت دین توحیدی و یکتا پرستی

نیست، مسیحیت علاوه بر خدا دو نیروی دیگر بنام‌های مسیح فرزند خدا و روح مقدس دارد!

یهودیت نخستین دینی نیست که نوعی «تک‌خدایی» را بنیاد گذارده است، حدود ۱۴ سده پیش از مسیحیت باور به تک‌خدایی در مصر وجود داشته، زردشت پیام‌آور ایران باستان نیز به خدای یگانه باور داشته است! هر سه این دین‌های یهودی، مسیحی، اسلام با برده‌داری موافق بوده‌اند!

از نوآوری‌های عجیب مذهب شیعه که در دو دین پیشین نبوده، داستان‌های صیغه، تقیه، ولایت فقیه و مزایای سیدان است! به این شکل می‌بینیم که کردار و گفتار و پندار این دین‌ها همه دزدیده شده از زندگی پیشینیان بوده و از خود سخنی ارزشمند نداشته‌اند.

حسین رها از ایران

زمین مسطح است و ثابت

این یاوه بافی‌ها از یک سایت بنام «انجمن زمین تخت‌گرایان فارسی» است که زمین و آسمان را بهم می‌بافند تا بگویند زمین کروی نیست و همانطور که در قرآن آمده مسطح می‌باشد. این بیچاره‌ها می‌خواهند سخن بی پایه قرآن و محمد و الله که زمین را مسطح می‌دانستند به اثبات برسانند.

این سایت، انیشتن، گالیلو، نیوتون، کپلر، کوپرنیک را فراماسیون و دروغگو می‌نامد، و ادعا می‌کند زمین مرکز جهان است و چون این افراد نمی‌خواستند خدا و آفرینش و هدف خلقت انسان معنا پیدا کنند. زمین را از مرکزیت جهان بیرون آوردند. در این سایت علاوه بر نفی کروی بودن زمین رخداد بیگ‌بنگ را هم توطئه‌ی دانشمندان می‌داند، تمام فرمولهای ریاضی را نادرست و تقلبی می‌نامد. می‌گویند اگر کسی بگوید زمین به دور خورشید می‌گردد، این یک دین است چون شما با چرخش دور خورشید، خورشید را می‌پرستید!

نویسندگان این سایت باور دارند، مرکزیت خورشید یک فرضیه است نه واقعیت، کیهان بی‌کران یک فرضیه است، جاذبه زمین یک فرضیه است می‌گویند این خورشید است که به دور زمین که ثابت است می‌گردد. داروین یک یهودی ماسونی است که در باره‌ی تکامل دروغ می‌گوید. اگر به سمت قطب جنوب حرکت کنید به گنبد آسمان می‌رسید!!

این سایت پُر است از این‌گونه جفنگ‌گوییها.

حسین - یک کارگر که ۴ ماه است حقوق هم نگرفته‌ام

سیامک مهر (پور شجری)

وقاحت نبوی

می‌رساند که می‌گویند این مسیر را برای «حفظ و ارتقاء حقوق شهروندان» ادامه خواهد داد.

وقاحت آخوندها و آیت‌الله‌ها و علما و فقها و سایر کفتارهای اسلام، بدون شک از جنس کلام الله و آیه‌های قرآنی است و از ماده‌ای اهریمنی و غیر انسانی و غیر زمینی ساخته شده به طوری که نه تنها مردم ایران که هم از درون جامعه و هم از درون وجود خود گرفتار و بیچاره‌ی اسلام و قرآنند، بلکه حتا روشنفکران و اندیشمندان و دولت مردان و مسئولان سیاسی غربی نیز پس از حدود چهار سال سلطه‌ی حکومت اسلامی در ایران، هنوز نتوانسته‌اند به ماهیت واقعی آن پی ببرند و در برابر این بی‌شرمی موضعی روشن داشته باشند و مقابله‌ای آشکار و مؤثری را سامان دهند. این بیانی‌های بدون پشتوانه اجرایی که ارگان‌ها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر صادر می‌کنند و تحریم‌های بی‌خاصیت و رفتار کجدار و مریز و کاسبکارانه دولت‌های اروپایی قادر نخواهد بود که حتا یک گام جمهوری اسلامی را از اعمال ضد بشری خود به عقب براند. واقعیت این است که اروپایی‌ها نه فقط به گونه‌ای جدی و با صداقت مردم ایران را در مبارزه خود با رژیم اسلامی یاری نمی‌کنند، بلکه از پیشروی خزنده‌ی قرآن و اسلام به زندگی خود نیز غافلند.

مردم جوامع آزاد اروپا و آمریکا نتیجه‌ی مماشات با اسلام و حکومت اسلامی را مانند طعم غذایی که فردی جذامی می‌پزد، سالها بعد خواهند چشید.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران با انتقاد از تمدید تحریم حقوق بشری مقام‌های جمهوری اسلامی توسط اتحادیه اروپا، گفته که «متأسفانه اتحادیه اروپا نشان داده است که درک درست و واقع بینانه‌ای از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را ندارد».

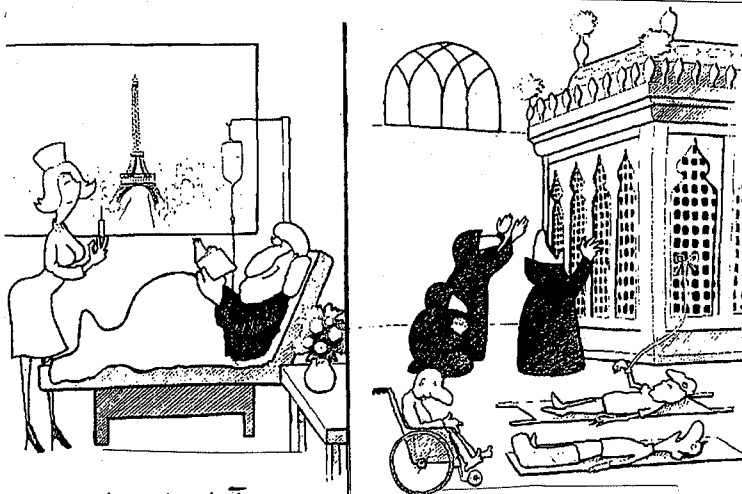
باید یاد آور شد که پیغمبر اسلام نیز زمانی که فرمان می‌داد دست و پای انسان‌ها را ببرند (مائده ۳۳ و ۳۸) یا انسانی را تازیانه بزنند (نور ۲) و یا هر حکم جنایتبار دیگری، اگر کسی اعتراض می‌کرد بلافاصله جواب می‌داد که: «... کفار کور و گنگ و کورند و درک نمی‌کنند.» (بقره ۱۷۱)

یادم است سال ۸۹ در بازداشتگاه وزارت اطلاعات واقع در زندان رجایی شهر موسوم به بند ۸ سپاه، چهار نفر که خود را «تیم کارشناسی» می‌نامیدند ریخته بودند سر من و از چپ و راست می‌زدند توی سر و صورتم که چرا من در وبلاگم از اسلام انتقاد کرده‌ام که چرا حکم به بریدن دست و پای انسانها داده است. می‌گفتند تو درک نمی‌کنی که این دستور تا چه اندازه برای سلامتی جامعه ضروریست. البته درستی این منطق و استدلال را به روش یاد شده همانجا به اثبات رساندند!

امروز هم اگر دست دراز اسلام قدرت یابد و به اروپایی‌ها، به خانم موگرینی، به فرانسوا اولاند، به خانم مرکل و امثالهم چنگ بیاندازد، معنی و منطق «اصولی مترقی اسلامی و قانون اساسی» جمهوری اسلامی را با کتک و سیلی و مشت و لگد و بوسیله‌ی شلاق و شوکر و باتوم برقی برای آنان کاملاً قابل درک می‌سازد.

از دیدگاه مقامات ایرانی لایحه اتحادیه اروپا هنگامی «درک درست و واقع بینانه‌ای از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» پیدا می‌کند که در شهرهای رم لندن و پاریس و بروکسل و آمستردام... زندان‌ها پُر از روزنامه نگار و فعال مدنی و فعال سیاسی باشد؛ دور هر میدانی جرتقیلی انسانی را از طناب آویزان کرده باشد؛ سر هر کوچه‌ای یک نفر را خوابانده و شلاق بزنند؛ توی هر زمین چاله‌ای حفر کرده و زنی را سنگسار کنند؛ گیوتین آهنبر نصب کنند در هواخوری زندان و دست و پای سارقی را ببرند و از این قبیل وحشی‌گری‌ها.

سخنگوی وزارت خارجه بی‌شرمی را زمانی به نهایت



آخوندها

مردم ایران

گوسفند نذری لندی

دوران نوجوانی من در شهر قزوین سپری شد. قزوین دارای دو امامزاده خارج از شهر بود، امام زاده «بارجین» و امام زاده «اباذر» که این دومی از شهر دورتر بود. تابستانها پدرم اهل خانه را با اتوبوس به آنجا می‌برد و اطاقی کرایه می‌کرد و هفته بعد برای بازگرداندن ما می‌آمد. ما پسر بچه‌ها عاشق آنجا بودیم، جویباری که می‌شود گفت رودخانه کم آبی آنجا بود که داخلش پُراز خرچنگ و محل تفریح و بازی بچه‌ها بود.

یک روز خبر دادند جلوی امامزاده چندین گوسفند را ذبح کرده و به همه گوشت نذری می‌دهند بزرگترها جویباری علت آن شدند، گفته شد، بانویی در لندن برای مداوای بیمار صعب‌العلاج پسرش نذر این امام زاده کرده است! و پسر بلافاصله خوب شده است؟! برای من در آن سن و سال معالجه پسر با نذر به این امامزاده آنهم از لندن که همه برای معالجه به آنجا می‌رفتند سؤال برانگیز و باور نکردنی می‌آمد. در بخشی از خاطرات «دنيس رایت» سفیر پیشین بریتانیا در ایران آمده است بریتانیا می‌کوشد همواره ایران را در حال احتضار نگاه دارد. برای انجام این کار داستانی ساختگی منتشر کردند که حاکم سرزمینی در هندوستان درآمد املاک خود را وقف کمک به ترویج مذهب شیعه کرده است و سفارت بریتانیا را در هند مأمور و مجری کار این وقف نموده (سازمان موقوفه اوده یا اود) و به این ترتیب به آخوند های شیعه و شیعیان مستحق مستمری می‌داد تا آخوندها نوکر و مجری دستوره‌های آنها باشند.

بریتانیا از زمان صفویه کوشید دولت های ایران را زیر نفوذ خود درآورد و این کوشش‌ها در زمان نادرشاه و کریم خان و آقامحمد خان به ثمر نرسید و نتیجه گرفتند که باتقویت طبقه آخوند و تضعیف دولت به امیال خود برسند و این روند در زمان رژیم دو پهلوی پایان گرفت و درآمد آخوند از موقوفه «اود هند» به پایان رسید. تا اینکه غرب به دنبال پیدا کردن راه چاره‌ای دیگر با بزرگ کردن خمینی توانست به یاری آخوند‌ها به آرزوی خود برسد و ایرانی‌ها را به زیر خط فقر فرهنگی و فقر اجتماعی و بن بست سیاسی بکشاند.

اگر کار نیک می‌کنید برای رضایت انسان باشد نه خدای موهوم

شکاکین به خدا

رابرت G انگرسل Robert G Ingersol سخنران و از پیشگامان بشردوست قرن ۱۹ آمریکا است که در سال ۱۸۹۹ فوت شد. او از عرفای شکاکین بوجود خدا به حساب می‌آید. سخنرانی و مقالات بسیاری از او بجای ماند که پس از فوتش در دوازده جلد به چاپ رسید. در زیر نمونه‌ای از مقالات او آورده می‌شود

شکاکین به وجود خدا

یک شکاک به دنیای خود توجه دارد به اموری که می‌توان به آن باور داشت و درکش کرد. او به دانش توجه دارد، به پاسخگویی به مسائلی که رفاه انسان را مورد نظر قرار میدهد می‌پردازد، او آروزی پیش‌گیری و علاج بیماری را دارد، تا طول عمر را در بر داشته باشد و سرپناه و پوشاک و خوراک انسان را فراهم آورد، تا نیاز جسمی را برطرف کند. او به ترویج هنر نیز می‌پردازد. او به نقاشی و مجسمه سازی اهمیت میدهد، به موزیک و تئاتر این ملزومات روان می‌پردازد. یک شکاک به پرورش فکر در ایجاد محبت به دیگران، سلیقه‌ها، وجدان، دادرسی تا آخر عمر ادامه می‌دهد تا انسان در این جهان هستی شاد و خوشدل باشد.

در بیشتر ایالات متحده من «خدانشناس» نمی‌توانم شهادت بدهم. مسیحیت چنان دید تحقیرآمیزی به طبیعت بشری دارد که براین باور نیست که یک انسان می‌تواند حقیقت را بیان کند مگر این که به ترس از خدا باورمند باشد.

«باتوجه به این واقعیت که می‌گوید خدانشناسان نمی‌توانند در موارد قانونی شهادت بدهند»

گذشته از آنچه گفته شد، خدا ناشناسان و طرفداران فلسفه عملی هردو گروه به این امر باورمندند که باید به زندگی در این دنیا باور داشت «نه دنیای موهوم»

خدانشناس فقط نمی‌گوید من نمی‌دانم او به مرحله‌ای دیگر قدم می‌گذارد و می‌گوید شما نمیدانید»

بقیه دارد

مسلمانان ناراضی که به زور مسلمان شده بودند از چهار خلیفه بزرگ اعراب، عثمان را کشتند، عمر را کشتند، و علی را هم کشتند، علی خود در چهار سال خلافتش حدود ۶۰ هزار عرب را کشت، شگفتا با وجود این همه کشتار، علی جزو چهارده معصوم شیعه است. م - مهر آسا

مژده ای دل که شگفتا خبری می آید

دکتر دانا شیرازی

نقش دین در تاریخ ایران

از دیرگاهی رهبران آیین‌های گوناگون برای بدست آوردن قدرت و شرکت در حکومت با پادشاهان رقابت کرده‌اند و در بسیاری از موارد وقتی قدرت آنها زیاد می‌شد، پادشاهان ناچار بودند با اقلیت‌های مذهبی برای کم کردن قدرت آنان نزدیک شوند.

در زمان ساسانیان، وقتی شاهپور اول، قدرت زرتشتیان را برای خود تهدیدی به شمار آورد با مانی همدست شد و دست آخر نیروی آخوندهای ساسانی بر شاهپور پیروز شدند و شاهپور را از کار برکنار کردند. قباد، پادشاه ساسانی با مزدکیان از در آشتی درآمد و آنان را نیرو بخشید که دوباره موبدان او را سرنگون و انوشیروان را به شاهی برگزیدند.

پس از یورش تازیان به ایران و تحمیل کردن اسلام وسیله عمر برای قرن ایرانیان زیر یوغ خلفای اموی و عباسی درآمدند و بایورش مغولها، فرمانروایی خلفای عباسی در زمان هلاکو خان به پایان رسید.

پس از فروپاشی خلفای عرب در گوشه و کنار ایران، فرمانروایان ایرانی روی کار آمدند و دست آخر اسماعیل صفوی، سلسله صفویان را در ایران پایه‌گذاری کرد و این شاه که مردی خونخوار بود و برای نجات از دوباره رفتن زیر فرمانروایی امپراطوری عثمانی که می‌خواست تمام کشورهای اسلامی را در خود ببلعد، ابتکاری انجام داد که ما ایرانی‌ها، مسلمان شیعه هستیم، و این دین «من درآوردی» شیعه را از اشعریان زمان خلفای راشدین و خوارج معتزله و بسیاری گروههای انشعابی از اسلام الهام گرفت و ضمن جنگ‌های فرسایشی با عثمانی‌ها، یک جنگ واقعی مذهبی بر علیه سنی‌هایی که اکثریت جمعیت ایران را در آن زمان داشتند آغاز کردند.

اگرچه از صفویان با وجود اهمیتی که در آن زمان برای تجدید قدرت ایران و به وجود آوردن کشوری که امروز نامش ایران است در تاریخ به نیکی یاد شده است، اما به خاطر براه انداختن جنگ بین شیعه و سنی، و رسمی کردن شیعه به عنوان دین رسمی ایران برای خود نام بدی بجای گذاشتند.

اما این قدرت روزافزون آخوندهای صفوی به بهای از بین رفتن خودشان شد و در حالی که افغان‌هایی که جزو کشور ایران بودند و محمود افغان سر به شورش گذاشت و برای سرنگونی شاه سلطان حسین به اصفهان لشکر کشید. آخوندهای دربار او را به دعاها و رمل و اصطربلاب‌ها دلخوش می‌کردند و هیچ دفاعی

دوستی نگران بود که اسلامی‌ها در آمریکا زیاد شده‌اند. به او پاسخ دادم اسلامی‌ها زیاد نشده‌اند، آنها از بدبختی که اسلام سرشان آورده مرتباً جابجا می‌شوند کشورهای خود را ترک می‌کنند، این است که شما در اینجا لچک بسرهای بیشتری را می‌بینی. دوم این که اگر تعدادی هم غیر مسلمان به اسلام بگروند بجایش نسل‌های جوانتر زیادتری دست از اسلام می‌کشند، با این تفاوت که هرکس مسلمان می‌شود برای بدست آوردن آب و نان بیشتر است و آنها که دست از اسلام می‌کشند از سراندیشه و آگاهی است. عمر اولی کوتاه مدت و ناپایدار و دومی همیشگی و پایدار است. همین تفاوت با اهمیت جهان را به سوی رهایی از مذهب می‌کشاند، این جبر تاریخ است، نسبت بی دین شده‌های امروزی را با یکسده سال پیش مقایسه کنید که چه دگرگونی بزرگی در فرو افتادن مذهب کاملاً دیده می‌شود. بانگاهی به فرزندان خود و نسل جوان این واقعیت را به خوبی می‌بینیم که ذات فاسد مذهب، خودش مذهب را از بین خواهد برد. ترن این جریان هر روز سرعت بیشتری به خود می‌گیرد، ظهور افرادی مانند خمینی و رهبران سیاسی مذهب زده در جهان به این روند پاکسازی کمک شایانی نموده و خواهد کرد. اگرچه اسلام، نخستین قربانی این رخداد خجسته است، اما هیچ دینی از این طوفان به سلامت نخواهد رست. مسلمان عقب مانده که بتواند خود را نجات دهد، غربی‌های پیشرفته‌تر و علمی‌تر حتماً از این مرداب مرگ و بلا عبور خواهند کرد. «در حال نوشتن مطلب بالا بودم که شاهد از راه رسید، و نوشته‌ای از یک نویسنده عرب را دوست جوانی از ایران به بیداری ایمیل کرد. نوشته است، «اسلام در رابطه با کفار، چه در صفوف خود و چه در صفوف ادیان دیگر، کشش معینی به خشونت دارد. ما شاهد زوال دین اسلام هستیم که هیچ پاسخ سازنده‌ای به پرسش‌های زندگی‌م‌دردن ندارد و نه تنها اسلام قدرتمند نیست بلکه به سختی بیمار است و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی در حال عقب نشینی است. خشونت دینی، اسلامی کردن فزاینده‌ی عرصه‌ی عمومی و اصرار بتمایزگونه بر نشان دادن نمادهای اسلامی، فقط واکنش‌های عصبی این عقب نشینی هستند. این‌ها نشانگر آن است که مسلمانان اعتماد به نفس و آزادی عمل ندارند. رفتار و کردار مسلمانان به رنگ آمیزی مایوسانه‌ی خانه‌ای می‌ماند که در آستانه‌ی فروریزی است. به راستی جهان امروز اسلام چه چیزی که به درد بشریت بخورد از خود به جا می‌گذارد؟ خدمات جهان اسلام در حوزه‌ی دانش، هنر و معماری چیست؟ این پرسش با «هیچ» یا «کم» پاسخ داده می‌شود. آنچه که از تاریخ تفکر اسلامی باقی مانده، یک بنیادگرایی سازش‌ناپذیر و غیرقابل انعطافی است که دیگر نمی‌تواند در جهان‌م‌دردن دوام بیاورد.»

نوشته از حامد عبدالصمد - ترجمه داریوش بی‌نیاز

بدکاره‌ی ناصرالدین شاه و سفیر بی‌شرم انگلیس تبانی کرده و امیر وطن پرست ایران را به دست دژخیمان شاه بی‌لیاقت سپردند وقتی در برابر این تبه‌کارهای خائنانه آخوندها و شاهان قاجار مردم باز هم به آخوند دیگری به نام خمینی برای نجات ایران پناه بردند هر آدم با شعور و بی‌طرفی در باره‌ی مردم ایران و ندانم‌کاری‌های آنان تعجب خواهد کرد. جالب است که شیخ فضل‌الله نوری نیز فتوای قتل مشروطه خواهان را داد. آخوند کاشانی در بحبوحه‌ی ملی شدن نفت، نیز بر علیه مصدق توطئه، و با فرستادن اوباشان به میدان، سقوط او را آسان کردند. میرزا تقی خان امیرکبیر عباس اقبال آشتیانی صفحه ۱۰۶

کوروش سلیمانی

دانایی یهوه و الله

خداوند حکیم و دانا پس از خلقت آدم و حوا نامگذاری اعضای بدن را به عهده‌ی خود آن‌ها گذاشت و آن دو هم بنابه ذوق و سلیقه و ادب و تربیت خود که خداوند در وجود آنها قرار داده بود بخش‌های گوناگون بدن خود را نامگذاری کردند. بویژه نام‌هایی هم برای آن نقاطی از بدن انتخاب کردند که زیر برگ انجیر پنهان کرده بودند. این نام‌ها همه در کتاب‌های آسمانی تورات و انجیل و کمی پوشیده‌تر در قرآن هم آمده است.

نکته اینجاست که حضرات آدم و حوا (و حتا خود خداوند و پیامبر او) نمی‌دانستند این‌گونه نامگذاری‌ها به ویژه در بخش‌های زیر برگ انجیر قرن‌ها بعد مورد استفاده‌ی لات‌های چاله میدان هر کشوری قرار خواهد گرفت که به هنگام نزاع و ناسزاگویی بکار ببرند! گرچه قرآن که بیشتر از تورات رونویسی شده است تا حدود زیادی از بکار بردن آن واژه‌ها خودداری کرده که آن کتاب را مؤدبانه‌تر تحویل مسلمان‌ها بدهد اما بجایش آخوندهای این دین جبران مافات کرده و این واژه‌ها را به راحتی و شفاف در روی منبرها بازگو می‌کنند و حاخامهای یهودی هم برای شرم خود از بردن این نام‌ها آن‌ها را به عربی بازگو می‌کنند و گاهی هم با ایما و اشاره منظور خود را به پامنبری‌های خود می‌رسانند.

بیداری - این نوشته علامتی دیگر است بر نبود خدایی آگاه و دانا که او نتوانسته پیش بینی کند نام اعضای بدن روزی به ناسزا تبدیل خواهد شد و پیشاپیش فکری بحالش کند، دستکم به زبان آوردنش را حرام می‌کرد

در مقابل محمود افغان نکردند تا آنکه محمود به اصفهان یورش آورد و این شهر زیبا و تاریخی را غارت کردند، و دار و ندار دربار پادشاه آخوند صفت و مردم اصفهان را به تاراج بردند.

نادرشاه برای مدت کوتاهی آخوندها را گوشمالی سختی داد و اموال موقوفه را که مفت به دست آورده بودند از آنها باز پس گرفت. اما کریم خان زند و سایر زندیان مانند نادر سخت‌گیر نبودند و آخوندها نیمه جانی گرفتند.

در دوره‌ی پادشاهان ننگین قاجار فروپاشی ایران آغاز شد و روز به روز گسترش نیروی آخوندی بیشتر و بیشتر شد و مردم ایران حکومت آخوندی را تا حدی در ایران تجربه کردند. خیانت‌های آخوندها و ملاها در زمان قاجار نیاز به نوشتن کتاب‌ها دارد و به‌طور فشرده چند نمونه آنرا یادآوری می‌کنم.

محمد شاه با شیخ احمد احسائی یک آخوند سعودی که می‌خواست در اسلام یک رنسانس به وجود آورد، همراه شد و نیروی آخوندهای قشری احسائی و پیروان او که دست‌آخر به بایبان منجر شدند را سرکوب شدید کردند.

عباس میرزا، ولیعهد روشن‌فکر به‌طور مرموزی در جوانی از بین رفت. او بخاطر نوگرائیهایش و فرستادن ایرانیها به اروپا برای یادگیری فن و صنعت به وسیله آخوندها ناباب خوانده شد و سپس بگونه نامعلومی از بین رفت و شایع بود که ملاها او را مسموم کرده‌اند.

وقتی میرزا عیسی، قائم مقام، صدراعظم فرهیخته و وطن پرست محمدشاه، اصلاحات بنیادین در ایران را آغاز و از نفوذ روزافزون انگلیس و روس پیشگیری کرد و بنا درایت کشور را به سوی یک نوآوری رهنمون نمود آخوند‌های مزدور و خیانت پیشه چون موقعیت خود را در خطر می‌دیدند، میرزا محمد امام جمعه تهران، با دریافت مبلغ زیادی لیره‌های انگلیسی سایر ملاها را بسیج کرده و قائم مقام را عامل روس قلمداد کردند و به محمد شاه پیاپی گفتند قائم مقام قصد کشتن شاه را دارد. افزون بر امام جمعه، حاج میرزا آقاسی نیز که خود حقوق بگیر از انگلیس بود، شروع به تحریکاتی علیه قائم مقام کرد. محمد شاه که آدمی ترسو، و کم شعور بود و با کمک قائم مقام به پادشاهی رسید و سوگند یاد کرده بود که هرگز خون صدراعظم خود را نریزد، دستور خفه کردن این وطن پرست نامی ایران را داد.

(منبع حقوق بگیران دولت انگلیس در ایران - اسماعیل رائین - چاپ چهارم - صفحه ۴۴-۴۸).

کشتن قائم مقام، ننگ بزرگی بر پیشانی همه‌ی قاجارها بود که دوباره به وسیله دیکتاتوری چون ناصرالدین‌شاه بر پیشانی این خاندان کثیف و بی‌لیاقت گذاشت برادرزاده همان آخوند تبهکار به نام میرزا ابولقاسم که امام جمعه تهران بود با مهد علیا مادر

فریبی بنام عرفان

یک عده از مردم ادعا می‌کنند، اگرچه عرفان رنگ مذهبی دارد اما خودش مطلب دیگری است، آن را با مذهب مخلوط نکنید! اتفاقاً خود عرفان هیچگاه ادعا نداشته که عرفان چیزی جدا از قرآن است تمام صوفی‌ها مگر چیزی سوا پیوستن به خداوند ادعا می‌کردند؟ کلّ خواست عرفان و صوفی‌ها نهایتاً رسیدن به خدا و الله است. اختلاف آنها با مذهبی‌ها در این است که مذهبی‌ها می‌گویند رسیدن به خدا تنها کار پیامبر است نه افراد دیگری، از آنسو عارفان به استناد سوره‌هایی در قرآن مانند جایی که خدا می‌گوید «آیا فکر می‌کنید که جهان را بدون دلیل آفریدیم و شما هیچگاه به ما نخواهید رسید؟» ادعا دارند ما آفریده شده‌ایم که به خدا برسیم و او را درک کنیم. این ادعاهای عرفانی ریشه‌ی شخصی ندارد فرقه‌ایست و خاص خود آنها که همه‌ی باورهای خود را از حدیث‌ها و قرآن گرفته‌اند تاریخ عرفان نشان می‌دهد ما عرفانی بجز عرفان، دینی نداشته‌ایم، آنها یک دنیای معنوی ساخته‌اند که در آن خداوند حاکم است و در اطراف او هم دار و دسته‌ای هستند فرشته و شیطان و جن.

تمام فکر عرفا این بوده که مردم به زهد و پارسایی برسند، زهد و تقوا یعنی چه؟ یعنی دوری جستن از دنیای مادی. آنها عقیده دارند دنیای مادی جای شیطان است و باید از پدیده‌های مادی دوری کرد. ژنده پوشی - خشن پوشی، درویشی، بخود نرسیدن، خود را در خداوند ذوب شده دیدن از جمله کارهایی است که انجام می‌دهند در واقع عرفان و صوفیگری یک فرهنگ و سنتی است برای تحمیت توده‌ها که در حاشیه مذاهب و نیرو گرفتن از آن به وجود آمده است، آنها در اصل به بزرگ کردن مذهب آمده‌اند تا آنرا شیرین تر به خورد مردم بدهند.

صوفیگر از صوف یعنی پشم گرفته شده است، مرحله اول خالی کردن ذهن است که تخلیه می‌گویند، دوم تذکیه، ورد مدام و روزه گرفتن است. سوم تصفیه یعنی پاک کردن روح از همه چیز! حافظ شیرازی چقدر با این صوفی‌های شیباد درگیر بوده و آنها را به شدت می‌کوبیده.

صوفی نهاد دام و در حقه باز کرد بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد پیش از اینکه محل پیدایش عرفان و چگونگی رسیدن آن به ایران را بگویم بد نیست شرح مختصری از زندگی شش تن از پیشروان و نامدارترین عارفان ایران را بدهم تا بیشتر به معنای عرفان که زائیده مذهب است پی ببریم.

مهمترین و نخستین عارف ایران شخصی است بنام بایزید

بسطامی یا شیخ بزرگ که حدود ۱۲۰۰ سال پیش در ۱۸۶ هجری به دنیا آمده، پدرش زرتشتی بود که به اسلام گرویده بود و بایزید هم تحت تلقین پدر قرار می‌گیرد. در جوانی او به عرفان ویژه خود می‌پردازد محور اصلی اندیشه بایزید بسطامی Selfanahilation یعنی نابودی خود برای شناخت خدا بوده است.

دومین شخص در عرفان و تصوف کسی است بنام منصور حلاج بیضایی که در ۲۴۴ هجری در فارس به دنیا می‌آید و در ۳۰۹ هجری قمری هم در بغداد بدست خلیفه عباسی به دار کشیده می‌شود. حلاج زرتشتی بود که در نوجوانی به اسلام گرویده بود و تمام قرآن را حفظ داشت. او درس اسلامی را در بغداد خواند و در حدود سی سالگی به مکه می‌رود یکسال به اصطلاح در کنار خانه خدا می‌ماند و شب و روز روزه می‌گیرد و ورد می‌خواند و به درگاه خدا عجز و ناله و گریه می‌کند و سپس یک سری مسافرت به خاور دور می‌کند، آهسته آهسته به گفتن سخنانی عرفانی می‌پردازد. او با گفتن جمله‌هایی مانند «انا الحق - من حقیقت هستم» یا «ما فی جَبَّتِی الله اله - در زیر لباس من چیزی جز خدائیس» خلیفه عباسی را برمی‌انگیزد که او را به کفر گویی و الحاد متهم کرده و به زندان بیندازد. او یازده سال در زندان خلیفه بود که پس از آن همه سال در زندان بودن به دارش می‌کشند.

سومین عارف مهم شیخ ابوالحسن خرقانی است، فردی سنی شافعی که در روستای خرقان نزدیک سمنان به دنیا آمده بود. این شخص حتا سواد خواندن و نوشتن نداشت، اما آنقدر در عالم معنویت (هیروت) جلو رفته بود که افرادی مانند فارابی و ابوعلی سینا به نزد او می‌رفتند تا از او علم حدیث و قرآن بیاموزند! او هم مانند بایزید عقیده داشت انسان باید روش‌هایی را پیش گیرد که بتواند در خود خداوند حل شود و پس از بین رفتن به خدا متصل شود تا بدین شکل به حقایق دنیا دسترسی پیدا کند.

چهارمین فرد، که فرد بسیار مهمی است، چون آدم بسیار خطرناکی است امام محمد غزالی نام دارد. امام محمد غزالی در سال ۱۰۵۸ هجری حدود ۴۵۰ میلادی در طوس به دنیا آمد. غزالی را مسلمانها بزرگترین متفکر اسلامی پس از پیامبر می‌دانند. او بسیار تند رو و متعصب بود. غزالی بزرگترین حمله‌ها را به علم و دانش که در آن زمان علم ارسطویی بود می‌کرد.

غزالی حوادث دنیا را بدست خداوند می‌دانست نه قوانین علمی فیزیک. می‌گفت اگر دست من به چیزی خورد و آن چیز افتاد یا شکست همه خواست خداوند بوده است. او شک کردن را الحاد می‌دانست.

پیام ها و نامه های وارده

* فکر می کنید دستور گشتن غیر مسلمانان، دگراندیشان و کافران در آیه های زیر برای خنده است؟ سوره توبه آیه های ۵ و ۱۲ و ۲۸ و ۲۹ و ۱۲۳ - سوره محمد آیه ۴ - انفال ۱۲ و ۳۹ - احزاب ۶۱ - مائده ۳۳ - نسا ۸۹ - بقره ۱۹۱

مژگان بابایی
بیداری - پرسش این است در اجرای دستور این آیه ها چه کسی گناهکار اصلی است، داعش، پیامبر و یا خود خدا؟

* اسلام یک واقعیت است و وجود دارد، اما حقیقت نیست. در اسلام هیچ حقیقتی وجود ندارد. آلفرد آبرامیان

* در شماره ی پیش بیداری نوشته ای بود با تیترا «جوانان ای جوانان ارزشمند ایران» که در آن نوشته آمده بود «انقلاب بنام امام علی، بنام امام حسین و امام خمینی..... انجام شد». نخیر انقلاب به خاطر اجرا نشدن قانون اساسی و لگدمال شدن دموکراسی رخ داد و پیروز شد. دکتر احمد ایرانی

بیداری - دکتر جان، ۹۰ در سد مردم امروز ایران نه از دموکراسی چیزی می دانند و نه برایشان قانون اساسی مهم است وای بحال مردم چهل سال پیش ایران در آن زمان ده درسدی هم که به اجرائشدن قانون اساسی اعتراض داشتند، قانون اساسی بهانه بود، آن ده در سد هم شاه را نمی خواستند و گرنه قانون اساسی که آخوندها اجازه داشتند بر آن نظارت داشته باشند و اسلام دین رسمی اش بود که قانون اساسی ضامن دموکراسی و آزادی نبود تا مردم خواهان اجرای درستش باشند. انقلاب به دست توده مردم که پشت خمینی بودند میسر شد که برای آنها امام علی و امام حسن و اسلام ارزشمندتر از اجرای صحیح قانون اساسی است.

* خوش بحالتان، روسیه نه تنها به آرزوی دیرین خود یعنی رسیدن به آبهای گرم جنوب ایران رسید بلکه به استفاده از پایگاههای هوایی و پادگانهای زمینی و مراکز هسته ای و مکان های محرمانه هم دسترسی پیدا کرد! ملّی ها و پان ایرانیست ها هم صدایشان در نمی آید. صفورا مهرپرور

* به ملت بگویند اگر بپا نخیزیم، این آخوندها تنبان ما را هم بزودی در خواهند آورد، یکی می گفت آنها به دنبال سفارش یکی از امامان خود هستند که در حدیثی گفته است. تنبان هم برای (این ملت) عجم زیادی است! تهمورث - الف

خدا اصل نیست، دین اصل نیست، اصل انسانیت است.

دکتر فرهنگ هولاکویی

تا اسلام هست، در هیچ جای این گیتی، امنیت نیست.

نفرینجم عطار نیشابوری است که در سال ۱۰۴۵ در نیشابور به دنیا می آید، عطار عقیده داشت عقل کار غلطی است و بجایش عشق را مینای کار خود قرار می داد.

نفر ششم از مهمترین افراد عارف ایرانی شهاب الدین سهروردی است که شیخ اشراق هم خوانده می شود. او در ۱۱۵۰ در زنجان به دنیا آمد، زنجان در آن زمان گردنشین بود نه آذری زبان، لذا سهروردی یک گرد بود. فلسفه سهروردی با اینکه بیشتر از باور دیگر عرفا تخیلی است اما کمی زیباتر می باشد او می گوید خداوند نور مطلق است، نور مطلق هم از آن واژه های عرفانی است که نه می شود آنرا تعریف و ترجمه کرد و نه وجود دارد، نور مطلق یعنی چه، چه خاصیتی دارد، کجا قرار دارد، سهروردی در چهل سالگی در شهر حلب سوریه توسط پسر صلاح الدین ایوبی بخاطر الحاد به دار کشیده شد. دنباله دارد.

برای انداختن بنجل مذهب به جان انسان، عرفان ساخته شد.

برای آنها که تازه بیداری خوان شده اند

در فصل دیات، دیه (خون بها) قتل زن مسلمان، خواه این قتل عمداً صورت گرفته باشد خواه غیر عمد ۵۰ شتر است. یعنی شرع اسلام یک زن را برابر ۵۰ شتر می داند. در ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی دیه قطع بیضه چپ یک مرد مسلمان که منجر به مرگ او نشود ۶۶ شتر است! یعنی یک بیضه چپ ۱۶ شتر بیشتر از مرگ یک زن ارزش دارد. اگر بجای بیضه چپ، بیضه راست مرد مسلمان قطع شود ۳۴ شتر دیه دارد یعنی هردو بیضه مرد که قطع شود ۱۰۰ شتر نصیب صاحبش می کند ولی زنی که زندگی اش کاملاً قطع شود و بمیرد فقط ۵۰ شتر خونبها خواهد داشت. این است عدل اسلامی الهی دین مبین. این موضوع یکی از موارد (شاهکاری) در اسلام عزیزاست، از این کار، که باید گفت (کثافتکاری) ها، دین گرامی اسلام فراوان دارد.

اسلام از همه بیشتر، خود مسلمان ها را آلاخون و آلاخون کرده و آزار داده است. آن ها مزد نادانی خود را می گیرند.

کسانی که در یافتن شغل شرافتمندانه ناکام شده اند آخوند می شوند.

حکومت های فاسد که بارها و بارها رای مردم را برای حکومت می گیرند، همواره یک شریک جرم قدرتمند دارند:

مردمی بی غیرت و بی تفاوت

Thinking points for Iranian youth

There is no such thing as "coexistence" in Islam, there is only subjugation or elimination of infidels. Islam believes in the rule of Islam. Hence, to muslims, all other forms of government represent the handiwork of Satan and Infidels. Therefore, one and all non- Islamic systems of government must be purified by Islamic law known as Sharia Law.

Amil Imani

توضیح و تصحیح

در شماره پیش و در همین ستون خبری را در باره‌ی مراسم رژه‌ی نوروزی ایرانیان نیویورک به سبک و سیاق مبارزاتی نشریه نوشته بودیم که متن آن خبر مورد گله‌ی دوستانه‌ی مدیریت برگزارکننده آن مراسم قرار گرفته است. در توضیح صمیمی مسئول آن سازمان گفته شد «این سازمان نزدیک پانزده سال است به سختی در پی ایجاد همبستگی ملی میان همه ایرانیان با داشتن هر باور مذهبی و سیاسی که باشند گام بر میدارد و متن خبر شما که شائبه‌ی یک آگهی از سوی ما را ایجاد کرده با آرمانهای ما در این سازمان همسو نمی‌باشد و در صورت امکان این موضوع توضیح داده شود».

و آدرس درست وبسایت ما به شرح زیر می‌باشد.

www.persianparadenyc.com

به زبان انگلیسی www.nypp.us

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

سید قلبی

بنا به اسناد موجود و گفته برادر بزرگ خمینی (آیت‌اله پسندیده) پدر و نیای خمینی هندی بوده‌اند. نام برادر او هم پسندیده هندی زاده است. پرسش این است، چگونه می‌تواند خمینی هندی زاده یک سید باشد؟ سیدها ظاهراً از بازماندگان اعراب در ایران هستند. آنطور که در ویکی پدیا آمده پدر خمینی در پایان دوره قاجار به ایران آمده است، اگر هم پدرش ایرانی بوده، پدر بزرگش که هندی بوده است و نمی‌تواند از اعقاب پیامبر و اولادش باشد تا سید گردد. با این وضع عمامه سیاه خمینی قلبی است و او نمی‌تواند سید باشد. او به همین دلیل ایرانی هم نیست که پس از سالها در برگشت به ایران گفت هیچ احساسی ندارد. مردی سراسر دروغ و تقلب.

بهترین راه بدست آوردن بیداری، در هر کجا که هستید، دریافت از راه پست است. تلفن بزنید فوراً فرستاده می‌شود

راه تماس با ما 858-320-0013
bidari2@Hotmail.com

Prst Std
 U.S. Postage
 Paid
 San Diego, CA
 Permit No. 2129

BIDARI
 بیداری
 P.O. BOX 22777
 San Diego CA 92192
 U.S.A